

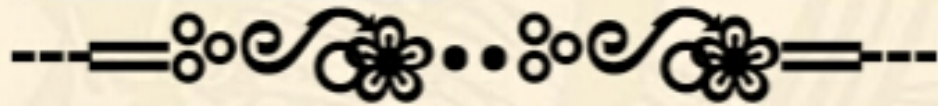
﴿هو الحکیم﴾

عنوان:

نشان دادن ملکوت آسمانها و زمین جابر جعفری بہ
عنایت امام باقر علیہ السلام

سخنران:

دکتر وحید باقر پور کاشانی



• اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ •

یکی از اصحاب امام باقر فردی بوده به نام جابر بن یزید
جعفی شخصیت بزرگواری بوده جلیل القدری بوده
می‌گه روزی از امام محمد باقر در مورد تفسیر قول
مبارک و تعالی که فرمود:

«وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ» در سوره مبارکه‌ی انعام آیه ۷۵»
که هم‌چنین ما به ابراهیم ملکوت باطن آسمان‌ها و
زمین را نشان دادیم.

تا به مقام اهل یقین رسد حضرت ابراهیم طلب می‌کنه
از خداوند که خدایا ملکوت آسمان و زمین به من نشان
بده که اهل یقین بشم خداوند متعال در مکاشفه‌ای
ملکوت آسمان‌ها رو به ابراهیم نشان میده راوی می‌گه
درحالی‌که به زمین نگاه می‌کردم یک‌باره دیدم امام
محمد باقر دست مبارک خود را به سوی آسمان بلند
کرد و چیزی زیر لب مبارک زمزمه کردند به من فرمودن
ای جابر سرتو بالا بیار حالا و بالارو نگاه کن من نیز به
سقف اتاق نگاه کردم یک‌باره دیدم سقف منزل ایشان
شکافته شد و آسمان‌ها و ملکوت عالم را دارم می‌بینم
آن چیزی که به ابراهیم خدا نشان می‌ده امام باقر
واسطه می‌شه به جابر بن یزید جعفری ملکوت آسمان‌ها
و زمین را نشون می‌دن ابراهیم با آن عظمتش

یک شیعه‌ی امام باقر به برکت امام باقر این‌ها رو می‌بینه امام باقر به من فرمود؛ حضرت ابراهیم این‌چنین ملکوت آسمان‌ها و زمین رو دید مثل این‌که تو دیدی سپس فرمود؛ به زمین نگاه کن من نیز به زمین نگاه کردم سپس فرمود بار دیگر به سقف نگاه کن من نیز نگاه کردم سقف را سالم دیدم مثل حالت اولیه دیدم نگاه اول ملکوت رو دیدم نگاه دوم حالت طبیعی برگشت کشف تمام شد سپس امام محمد باقر دستم را گرفت و به یک اتاق دیگر برد و لباس‌های که بر تن داشت بیرون آورد و لباس دیگری پوشید سپس فرمود چشم‌های خودت را ببند تا وقتی که به تو نگفتم باز نکن راوی می‌گه که چشم‌هایم را بستم و در همان حال بودم تا ایشان فرمود آیا می‌دانی در کجا هستی؟ عرض کردم خدا و حجتش بهتر می‌دانند فرمود؛ ما در تاریکی که ذوالقرنین در آن رفته هستیم حالا تاریکی ذوالقرنین تاریخ انبیا و در ماجرای ذوالقرنین باید بخونید ماجرای دارد عرض کردم سرورم چشمان را باز کنم فرمود؛ اگر دوست‌داری باز کن ولی چیزی نخواهی دید در آن تاریکی ذوالقرنین راوی می‌گه در آن وقت چشم‌هایم را باز کردم چیزی را ندیدم گویا در تاریکی مطلق بودن سپس به حرکت درآمدم مقدار کمی حرکت کرده بودیم که در یک‌جا ایستادیم سپس به من فرمود؛ آیا می‌دانی این‌جا کجاست؟ عرض کردم فدایت شوم نمی‌دانم کجا هستیم، فرمود؛ ما در کنار عین‌الحیاتیم! اون چشمه‌ی حیات! چشمه‌ی حیات، یک چشمه‌ای که اگه کسی از آن آب بنوشه عمر جاودان خواهد داشت! لذا می‌گن خضر پیغمبر هم از آن آب نوشیده که الان زنده وقتی امام زمان عج هم تشریف بیارن بازم در رکاب امام‌زمانه پیرمردیه ولی زنده!

می‌گه ما در کنار عین‌الحیات که حضرت خضر از آن نوشید سپس از آن جهان خارج شدیم از اون نقطه خارج شدیم و به جهان دیگر رفتیم و هم‌چنین از نقطه‌ای به نقطه دیگر سیر می‌کردیم تا به جهان پنجم رسیدیم به نقطه‌ی پنجم رسیدیم سپس فرمود: این‌ها ملکوت زمین هستند که حضرت ابراهیم آن‌ها رو ندیده این‌هایی که من به تو نشان دادم این ملکوتی هست که ملکوت زمین، عین‌الحیات و جاهای دیگه این‌ها رو به ابراهیم هم نشان ندادن و فقط ملکوت آسمان‌ها را دید و آن‌ها ۱۲ جهان می‌باشند همان‌طور که دیدی یعنی به تو ملکوت زمین‌رو که نشان دادم ملکوت آسمان‌ها رو که ابراهیم دید به تو نشان دادم ملکوت زمین‌رو به تو نشان دادم جابر راوی می‌گه در همان وقت به من فرمود: چشمانت را ببند من نیز چشمانم را بستم و بعد از چند لحظه‌ای به من فرمود: چشمانت را باز کن و من نیز باز کردم و دیدم که در همان اتاق قبلی هستم که از آن خاج شده بودم سپس امام محمد باقر لباس‌های خود را درآوردن و لباس‌های قبلی را پوشیدن و به جای خودمان که قبل از آن نشسته بودیم برگشتیم به ایشان عرض کردم فدایت شوم چه قدر از روز گذشته؟ ملکوت آسمان‌ها را که نشان دادی ملکوت زمین هم نشان دادی، چقدر از روز گذشته؟ چقدر سفر ما طول کشید؟ حضرت فرمودند: سه ساعت!

در سه ساعت تمام ملکوت آسمان و زمین را جابر به تو نشان دادم. چنین شخصیتی که ابراهیم که می‌خواهد اهل یقین باشه ملکوت آسمان‌ها رو بهش نشان میدن شیعه‌ی امام باقر به لطف آقا امام محمدباقر ملکوت آسمان رو می‌بینه و ملکوت زمین رو هم می‌بینه در این ساعت محدود همه‌ی این‌ها رو می‌بینه این عظمت، جایگاه این شخصیت رو نشان میده.